

ماشین قراضه مظفردالدین شاه

نخستین خودروهایی که به ایران آمد، اتومبیل‌های خریداری شده مظفردالدین شاه بود که در سال 1280 از بروکسل بلژیک خریداری کرده بود. این ماشین‌ها با زغال سنگ کار می‌کردند.



نخستین خودروهایی که به ایران آمد، اتومبیل‌های خریداری شده مظفردالدین شاه بود که در سال 1280 از بروکسل بلژیک خریداری کرده بود. این ماشین‌ها با زغال سنگ کار می‌کردند. وی در دومین سفر خود به اروپا در فرانسه دو خودروی رنو خریداری کرد که البته این دو خودرو سرانجام خوشایندی پیدا نکرد.

در کتاب یادگارهای شاه ایران از قتل‌عام، مهماندار فانیسی شاه ایران آمده است: در ماه اگوست ۱۹۰۰ در مراجعت اعلیحضرت از جنگل بولونی، دو دستگاه اتومبیل که برای بردن به تهران سفارش داده بودند جلوی عمارت برای معاینه اعلیحضرت حاضر بودند. در هر کدام آنها دو نفر از پیشخدمت‌های مخصوص حاضر بودند. به امر مبارک مکانیسین‌ها اتومبیل را به راه انداخته، بعضی حرکات را امتحان در حضور اعلیحضرت به جا آوردند و پس از انجام امتحان، سوارها و ملتزمین رکاب جابه‌جا شده اتومبیل‌ها آهسته پهلوی کالسکه همایونی آمدند تا سلطان از نزدیک نیز درست آنها را معاینه کند. چون اتومبیل‌ها از هر حیث مطابق میل بودند و هیچ نوع عیب و نقصی در آنها مشاهده نشد، حکم اعلی به حما، آنها صادر شد و کالسکه همایون، به طرف عمارت سمرقند به راه افتاد. این دو خودرو در پاریس به وسیله راه آهن و کشتی و از طریق روسیه و دریای خزر به ایران فرستاده شد. از دو اتومبیل رنو که بوسیله راننده‌های فرانسوی به تهران انتقال داده شد، یکی در راه تهران - انزلی دچار نقص فنی شد و از حرکت بازماند و دیگری به تهران رسید. اتومبیل در راه مانده در زیر برف و باران و آفتاب به آهن قراضه‌ای مبدل شد و هیچ تلاشی برای انتقال آن به تهران صورت نگرفت. سال‌ها بعد جهانگردان اروپایی که به تهران سفر می‌کردند در خاطراتشان به این اتومبیل قراضه اشاره می‌کردند. خودرویی که سالم رسیده بود هم حکایتی داشت. شاه را در بندرانزلی با تحمل مشکلات یاد از کشتی، ساده کردند.

شاه می‌خواست با اتومبیل تا قزوین بیاید، اما همین که ملازمان و همراهان او دزدانهای گردنه ملاعلی و آب ترش و منجیل را یادآوری کردند منصرف شد و به جای کالسکه بخار به کالسکه اسبی نشست و قرار شد کالسکه بخار را راننده بلژیکی بدون مسافر به تهران بیاورد. اتفاقاً راننده در گردنه ملاعلی تصادف کرد و خودرو آسیب دید. شاه با کالسکه اسبی، به تهران رسید و کالسکه بخار را با گاری به تهران آوردند تا تعمیر کنند.

به دلیل این‌که کوچه و خیابان‌های تهران آن روز برای حرکت اتومبیل مناسب نبود این خودرو قادر به حرکت در شهر نبود و فقط اغلب روزها در میدان مشق به دستور مظفردالدین شاه به وسیله راننده فرانسوی آن یعنی موسیو وارنه به حرکت درآمده و موجب جدت و شادی مردم می‌شد. مردم ایران در ابتدا به این وسیله نظم‌لقب گدونه بخار، داده بودند. همزمان با مظفردالدین شاه، حاج‌حسین آقاي امین‌الضرب هم که اولین کارخانه برق را به تهران وارد کرده بود یک اتومبیل به ایران وارد کرد. تنها راه اتومبیل رو در آن زمان در ایران راه گیلان بود که به وسیله روس‌ها ساخته شده بود و به دست ماموران روس اداره می‌شد.

بعد از مظفردالدین شاه، محمد علی شاه هم از کارگزاران خواست تا یک اتومبیل برایش بخرند. اتومبیل او بدون اشکال از گردنه‌های گیلان گذشت و به تهران رسید. روزی که وی به دیدار یکی از خواهران خود می‌رفت، کالسکه اسبی خواست. می‌گویند آن روز همین که شاه خواست سوار کالسکه شود یک نفر عطسه کرد و شاه آن را به فال بد گرفت و از سواری با کالسکه اسبی منصرف شد و کالسکه را خالی با شاطرها جلو فرستاد و خودش سوار اتومبیل شد، کالسکه شاه و همچنین اتومبیل وی از میدان توپخانه به خیابان اکباتان پیچید که ناگهان در جلوی عمارت مسعودیه (نزدیک بهارستان) بمبی به سمت خیابان پرتاب شد. جمعی از شاطرها و کالسکه‌چی‌ها و سوارها کشته و زخمی شدند و شاه که در آن‌همین بود سالم ماند.

احمد شاه قاجار، سومین شاه ایران است که سوار شدن بر ماشین را تجربه کرد. نقل است ناصرالملک که مدت‌ها در انگلستان و فرانسه زندگی کرده بود هنگام انتصاب به مقام نیابت سلطنت برای احمد شاه خردسال یک دستگاه اتومبیل را به هزینه دولت ایران از اروپا خریداری کرد. این اتومبیل، راه تهران شد و مورد استفاده دربار قرار گرفت.

غیر از دربار قاجار، سیاحان اروپایی نیز اتومبیل‌هایی را وارد ایران کردند، ولیکن بعدها در میان سیاستمداران و ملاکین بزرگ و تجار سرشناس بخصوص تجار بوشهری همچون حاج امین‌التجار و معین‌التجار بوشهری و دیگر تجار یزدی،

شاید از کم‌مانند خرید اتومبیل، باب شد و به نفع، نشانه‌اش اقبال و چشم و هم‌چشمی، تجار از هم می‌بهرند. ماشین خریدن وثوق‌الدوله هم داستانی دارد. وی در ایام سفر به فرنگستان خودرویی برای خود خریداری کرد و موقع بازگشت آن را با خود آورد، اما همین که اتومبیل او را در بصره پیاده کردند و خواستند راه بیندازند یک گاو میش قوی هیکل به آن حمله کرد و اتومبیل و وثوق‌الدوله را درهم شکست.

ندا حسینی / جام‌جم